

## ارزیابی "راهبرد تصریح" در سبک‌های ترجمه‌ای قرآن کریم (مطالعه موردی سبک‌های ترجمه‌ای فولادوند و صفوی از سوره اسراء)

راضیه نظری<sup>۱\*</sup>، سیدمحمد موسوی بفرولی<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

### چکیده

تصریح، به عنوان یکی از راهبردهای جهانی ترجمه، مبتنی بر شگردهایی متنوع است تا از این رهگذر ترجمه‌ای هم‌ارز از یک اثر ارائه شود و از آنجا که فرم و ساختار متن نخست در تصریح اولویت دارد، راهبردی مناسب در ترجمه قرآن کریم به شمار می‌آید. در خور بیان است که شگردهای تصریح، عمدتاً، در چهار لایه، سپهر گفتمانی متن نخست را بازتاب می‌دهند که عبارتند از: ارائه اطلاعات، تأکید، تخصیص و رمززدایی اطلاعاتی. هدف از نگارش جستار حاضر آن است که ضمن معرفی "راهبرد تصریح" و کارکرد شیوه‌های آن با بررسی بسامد آن‌ها، ویژگی‌های سبک‌های ترجمه را بیان و نقد کرد؛ چرا که سبک ترجمه، سنجه و معیاری است که میزان گرایش‌های زبانی مترجم، پویایی و انسجام اثر ترجمه شده را نشان می‌دهد و می‌توان با تکیه بر نتایج به دست آمده از تحلیل آن، در حوزه مطالعات ترجمه قرآن کریم، گامی پیش‌نهاده و الگویی نسبتاً جامع و استاندارد از فرآیند ترجمه که حقیقت‌نمایی بهتری را دارا است، معرفی کرد. در این جستار، پیکره مورد پژوهش، سوره اسراء بوده که با استفاده از روش‌های کیفی - کمی مورد تحلیل قرار گرفته است. واحدهای زبانی مورد تحقیق، واژگان و جملات هستند که به صورت توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج به دست آمده بیانگر آن هستند که شگرد تعمیم‌معنایی نباید در ترجمه قرآن کریم به کار گرفته شود و باید برای دستیابی به سبکی پویا در ترجمه از همه شگردها به صورت متعادل استفاده شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، راهبرد تصریح، لایه‌های کارکردی، سپهر گفتمان، سبک ترجمه

## ۱- مقدمه

ترجمه از آنجا که با سطوح مختلف زبان و فرهنگ بشری مرتبط است فرایندی پیچیده دارد، در این میان لزوم برگردان متون مقدس اهمیت این فرآیند را دو چندان می‌کند. امروزه در حوزه مطالعات ترجمه شگردها و راهبردهای متنوعی معرفی شده‌اند. "تصریح" یکی از راهبردهای همگانی یا جهانی ترجمه است که هدف آن تحقق هم‌ارزی حداکثری در سطوح ساختاری و کاربردی زبان است و در این راستا از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود. شایان توجه است که در سطح کلان، میزان بهره‌گیری از شگردهای تصریح با سبک ترجمه مترجم رابطه‌ای مستقیم دارد. جستار حاضر بر آن است تا ضمن معرفی "راهبرد تصریح" و کاربرد شیوه‌های آن با بررسی بسامد آن‌ها، ویژگی‌های سبک‌های ترجمه را بیان و نقد نماید تا از این رهگذر، در حوزه مطالعات ترجمه قرآن کریم، گامی پیش نهاده و الگویی نسبتاً جامع از فرآیند ترجمه که حقیقت‌نمایی بهتری را دارا است، معرفی نماید.

سوره اسراء از جمله سوره‌های قرآنی است که طول آیات آن خیلی کوتاه یا بلند نبوده و از سوی دیگر تعداد آیات آن نیز ۱۱۱ عدد است؛ از این‌رو، تعادل در طول و تعداد آیات معیار انتخاب این سوره مبارکه به عنوان موضوع مورد پژوهش بوده است. گفتنی است از آنجا که هدف از جستار حاضر "ارزیابی راهبرد تصریح در سبک‌های ترجمه‌ای" است، گزیری نیست؛ جز آنکه ترجمه‌هایی که در یک دوره زمانی پدید آمده‌اند انتخاب شود؛ به همین خاطر برگردان‌های فولادوند و صفوی که معاصر هستند، انتخاب شده است. ترجمه فولادوند از نوع محتوا به محتوا بوده و ترجمه صفوی مبتنی بر تفسیر المیزان است. در این جستار می‌کوشیم ضمن تبیین نحوه اجرای راهبرد تصریح در دو سبک متفاوت ترجمه‌ای، میزان کاربست شگردهای آن را معین نماییم.

## ۱-۱- پرسش‌های پژوهش

انتظار می‌رود این تحقیق در پایان، پاسخگوی پرسش‌های زیر باشد:

ارزیابی «راهبرد تصریح» در سبک های ترجمه ای قرآن کریم ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و سیدمحمد موسوی بغروئی

۱- آیا همه شگردهای راهبرد تصریح در فرآیند ترجمه قرآن کریم سودمند و کارآمد هستند؟

۲- چه پیشنهادی برای برجسته سازی حداکثری مفاهیم و پویایی بیشتر سبک ترجمه ارائه می شود؟

۳- کدام یک از لایه های کارکردی شیوه های تصریح در سبک های ترجمه نمود بیشتری دارد؟

#### ۱-۲- پیشینه پژوهش

موضوع تصریح در ترجمه قرآن تا به حال مورد توجه پژوهشگران بوده است: مانند پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع "تصریح در ترجمه قرآن: مورد پژوهشی سوره یوسف"، (۱۳۹۰) از جلالی، دفاع شده در دانشگاه فردوسی مشهد. در این پایان نامه نوع خاصی از تصریح که مبتنی بر صراحت انسجامی است مورد توجه قرار گرفته است. ابراهیمی و همکاران در مقاله "تحلیل و بررسی افزوده های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن کریم (با محوریت سوره اسراء)" که در مجله پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۳۹۳)، سال ۴، شماره ۱۱، به چاپ رسید، تنها افزوده های تفسیری برخی از آیات سوره اسراء را در شش ترجمه مورد بررسی قرار داده اند. در مقاله "اسلوب تصریح و تبیین در ترجمه قرآن (بررسی موردی ترجمه فیض الإسلام)"، اثر سیاحی و همکاران، چاپ شده در مجله پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۳۹۵)، سال ۶ شماره ۱۴، شگردهای تصریح به طور دقیق تفکیک نشده اند؛ به عنوان مثال، شگرد تعریض های توصیفی، شگردهای ترمیم و تخصیص معنایی مورد بررسی قرار نگرفته اند.

از آنجا که دامنه تصریح، از واژه تا کلام گسترده است، در این پژوهش تلاش شده است شگردهایی که این حوزه را پوشش می دهند، مورد بررسی قرار بگیرند و در بخش پایانی تحلیل ها، میزان کاربرد آنها در یک نمودار به نمایش درآمده است.

### ۳-۱- روش پژوهش

پژوهش حاضر از رهگذر روش‌های کیفی و کمی به رشته نگارش درآمده است. پیکره مورد پژوهش، سوره اسراء بوده که دارای ۱۱۱ آیه و ۱۵۵۶ واژه است. واحدهای زبانی مورد تحقیق، واژگان و جملات هستند. در جمع‌آوری داده‌ها از روش دستی استفاده شده است. به این ترتیب که در گام نخست، آیات به جملات تقطیع و ظرفیت "تصریح‌پذیری" به عنوان معیار تحلیل بخش‌های تقطیع شده انتخاب شد. در این راستا، آیات قرآن با ترجمه‌ها مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفت، عناصر تصریح شده پس از شناسایی ثبت شدند و در پایان، ذیل شش شگرد تصریح طبقه‌بندی شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. و در پایان، با در نظر گرفتن بسامدهای شگردهای تصریح و نمایش آن‌ها در نمودار، فرصت تطبیق میان عملکرد مترجمان فراهم شده است.

### ۲- مبانی نظری پژوهش

#### ۲-۱- راهبرد تصریح<sup>۱</sup> و انواع آن

اصطلاح "راهبرد"، شامل یک دوره از کنش‌های هدفمند است که با قصد دستیابی به هدفی ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مطالعات ترجمه نیز راهبردهایی وجود دارد که شامل مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیر بوده و قابلیت ارائه نزدیک‌ترین معادل معنایی را دارا هستند. «این راهبردها بر اساس نوع کاربردشان به سه دسته تقسیم شده‌اند که عبارتند از: راهبردهای صرفی/ نحوی، معنایی و کاربردی» (Kearns, 2011: 282). همچنین، در تقسیم‌بندی دیگر و مبتنی بر بُرد و دامنه کاربردی، راهبردها براساس میزان قابلیت سازگاریشان در انواع متون و زبان‌های گوناگون به دو دسته "مقامی" یا "موضعی" و "جهانی" یا "همگانی" تقسیم شده‌اند.

راهبردهای موضعی به‌طور خاص با ترجمه‌های ساختارهای ویژه زبان و عناصر واژگانی مرتبط هستند، درحالی که دامنه عملیاتی راهبردهای جهانی گسترده‌تر بوده و موضوع آن‌ها شامل پرسش‌هایی درباره سبک ترجمه و انتخاب میان یکی از اولویت‌های

نادیده گرفتن واژگان یا تأکید بر جنبه‌هایی خاص از متن منبع می‌شود (همان: ۲۸۳)؛ به عنوان مثال، در یک راهبرد موضعی، ساختار فعل ماضی "تبت" در آیه ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾ (مسد/۱)، به شیوه‌ی دعایی ترجمه می‌شود. از سوی دیگر، براساس راهبرد جهانی، در ترجمه آیه ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ (بلد/۱) واژه "لا" ترجمه نمی‌شود یا در صورت ترجمه شدن، در برگردان آن اختلاف معنایی بوده و تأکید بر جنبه مفهوم "سوگند" وجود دارد.

یکی از راهبردهای جهانی ترجمه، "تصریح" است. به نظر می‌رسد، مفهوم "آشکارسازی" در فرایند ترجمه نخستین بار در سال ۱۹۵۸ میلادی توسط صاحب‌نظرانی چون ژان داربلنه<sup>۲</sup> و ژان پل وینه<sup>۳</sup> در اثر معروفشان به نام "سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روش ترجمه" پیشنهاد شد. مقصود نویسندگان از کاربست این مفهوم، معرفی روشی بود که به بیان جزئیات در زبان مقصد می‌پردازد؛ جزئیاتی که در زبان مبدأ به صورت ضمنی وجود دارد و مترجم با تکیه بر بافت‌های متنی یا موقعیتی آن‌ها را آشکار می‌کند (Tiktik Murtisari, 2016: 67). پس از این دو، "نابدا"، اصطلاح "addition" را به طور اختصاصی برای این مفهوم به کار برد که به معنی "افزایش" است. وی در توضیح این انتخاب می‌گوید: «در ترجمه، افزودن با هدف اشاره به ترکیب عناصری به کار می‌رود که کاربردشان در جمله جایز است» (همان: ۶۸)، سگینو<sup>۴</sup> نیز افزود، این اضافات به وسیله تفاوت‌های موجود میان ساختار و سبک‌های زبانی موجود در زبان‌های مبدأ و مقصد مجال بروز و ظهور می‌یابند. بلوم کالکاه<sup>۵</sup> از دیگر صاحب‌نظران حوزه مطالعات ترجمه، برای نخستین بار "فرضیه تصریح" را مطرح کرد. نگاه او به مسئله تصریح فراتر از آشکارسازی معنایی یا افزودن سازه‌ها بود. او تصریح را "تغییر" نامید و در مقاله‌اش با عنوان "تغییرات روابط معنایی و انسجام در ترجمه" بیان داشت که فرایند ترجمه الزاماً شامل تغییرات در روابط متنی و کلامی است؛ به گونه‌ای که در انسجام، تغییرات در انواع عناصر پیونددهنده رخ می‌دهد (Yazdani Moghaddam, 2017: 1).

شایسته بیان است که موضوع انسجام و انواع آن در نظریه انسجامی هالیدی و حسن مفصل بیان شده است؛ آنان عنصر انسجام متن را در سه بخش دستوری، واژگانی و روابط پیوندی تقسیم کردند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۳۰).

در این پژوهش نیز برخی از عناصر تصریح که کارکرد انسجامی دارند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پس از کالکا، "کلاودی"<sup>۶</sup>، از دیگر محققان برجسته حوزه ترجمه، با تکیه بر نتایج تحقیقات خود که مبتنی بر بررسی ترجمه‌ها در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و مجارستانی بود، گامی دیگر پیش نهاد و طبقه‌بندی نوینی از تصریح ارائه داد:

#### ۲-۱-۱- تصریح الزامی<sup>۷</sup>

این نوع تصریح ناشی از تفاوت‌های حوزه‌های واژی- دستوری میان زبان‌های مبدأ و مقصد است. در واقع، تفاوت در ساختارهای مورفولوژیکی، نحوی یا معنایی زبان‌ها سبب می‌شود، مترجم به تصریح الزامی روی بیاورد، در غیر این صورت، جملات ترجمه شده قابل فهم نخواهند بود.

کلاودی در بررسی‌های خود نشان داد که در متن مبدأ "مجموعه‌هایی ناپیدا" وجود دارند و مترجم ناگزیر به توضیح آن‌ها است (Rahmatullah, 2016: 249). بیکر<sup>۸</sup> نیز این توضیحات را اطلاعات افزوده، معرفی کرده و معتقد است که آن‌ها در ساختار ظاهری متن زبان مبدأ، وجود خارجی ندارند (Baker, 2011: 96).

#### ۲-۱-۲- تصریح اختیاری<sup>۹</sup>

مسئله اصلی در تصریح اختیاری، انتخاب میان اولویت‌ها است و چنانچه از آن استفاده نشود، متن ترجمه شده همچنان طبیعی و قابل فهم خواهد بود. با این حال، مترجمان از تصریحات اختیاری بهره می‌گیرند تا معنی را واضح‌تر و مؤثرتر بیان کرده و پیام متن را بهتر انتقال دهند (Klaudy, 2011: 106).

## ۲-۱-۳- تصریح کاربردی<sup>۱</sup>

این نوع تصریح، مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی و جهان‌بینی‌های کاربران زبان‌های مبدأ و مقصد است (Baker, 2011: 97). در بسیاری از اوقات، کاربران زبان‌ها تعابیر متفاوتی از اغراض یکسان دارند؛ به عنوان مثال، ضرب‌المثل‌ها، ضمن بیان این اغراض، ویژگی‌های فرهنگی جوامع را نیز بازتاب می‌دهند. در این راستا، کلاودی بیان می‌کند، مترجمان برای تبیین مفهومی ویژه و برگرفته از فرهنگ زبان مبدأ اغلب باید به تصریح آن پردازند (Rahmatullah, 2016: 250).

در این پژوهش، هفت شگرد تصریح مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: افزودن‌ها، ارجاع، تخصیص و تعمیم معنا، جبران یا ترمیم معنی، تصریح نقش‌های محذوف و بازسازی. لازم به ذکر است، از آنجا که در ترجمه قرآن مسئله افزوده‌های تفسیری به منظور تصریح، فراوانی قابل توجهی دارد، از این‌رو تلاش شده است، شگردها و تعاریف آن‌ها به گونه‌ای انتخاب شود که آشکارسازی معنا و انسجام را پوشش دهند؛ از این‌رو تعاریف این شگردها برگرفته از نظریه‌ای خاص نبوده، بلکه از منابع مرتبط با اصطلاحات ترجمه برداشت شده است.

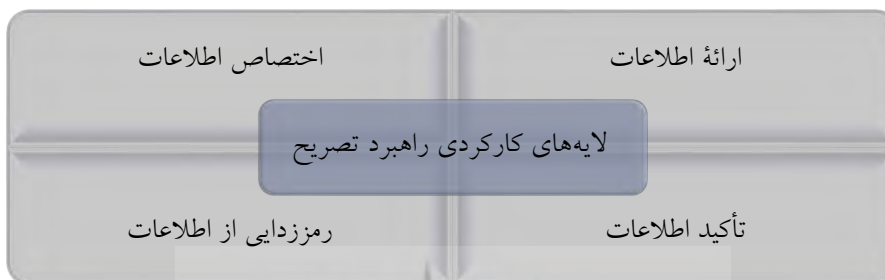
حاصل کارکرد این شگردها در چهار لایه خلاصه می‌شود که عبارت است از:

«ارائه اطلاعات، تخصیص، برجسته سازی و رمز زدایی از اطلاعات» (Tiktik, 2016: 66). توضیح آنکه، مترجم در فرایند ترجمه، اطلاعاتی از سپهر گفتمان متن مبدأ در اختیار مخاطب قرار می‌دهد یا مفهومی را از میان مجموعه‌ای از مفاهیم گزینش کرده و به صورت اختصاصی ارائه می‌دهد. در حالت سوم اطلاعات و مفاهیم برجسته شده و مورد تأکید قرار می‌گیرند و سرانجام از مفاهیم رمززدایی می‌شود.

این مطلب که مترجمان در برگردان یک متن کدام یک از روش‌های تصریح را بیشتر ترجیح می‌دهند و به طور کلی به چه میزان از این شیوه‌ها بهره می‌برند، موضوعی است که

پرداختن به آن می‌تواند نشان‌دهنده گرایشات زبانی مترجم بوده و به کشف و تبیین سبک ترجمه وی منجر شود.

شکل (۱): لایه‌های کارکردی راهبرد تصریح



به طور کلی سوره "اسراء" دارای ۱۲ محور معنایی است که عبارتند از:

۱. دلایل اثبات نبوت به ویژه قرآن و معراج؛
۲. معاد؛ کيفر و پاداش؛
۳. تاريخ بنی اسرائیل؛
۴. مسئله آزادی و اختیار؛
۵. وجود برنامه‌ای حساب شده در زندگی دنیوی؛
۶. حق شناسی؛
۷. تحریم اسراف و تبذیر؛ بخل ورزی، فرزندکشی؛ کم‌فروشی؛ تکبر و خون‌ریزی؛
۸. توحید؛
۹. مبارزه با هرگونه لجاجت در برابر حق؛
۱۰. ویژگی‌های شخصیتی انسان و برتری او بر دیگر مخلوقات؛
۱۱. وسوسه‌های شیطان؛
۱۲. فرازهایی از تاریخ پیامبران (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج: ۶، ۱۲).



### ۳- بحث و بررسی

#### ۳-۱- تعریض‌های توصیفی

این شیوه، شامل افزایش واحدهای واژگانی است که منجر به طولانی شدن متن ترجمه می‌شود؛ اما معنای آن را تغییر نمی‌دهد. در مطالعات ترجمه مشخص شده است که این نوع افزونگی در سه بخش اسم، صفت و فعل روی می‌دهد (Nashar, 2016: 321)؛ مانند آنچه در ترجمه آیات زیر قابل مشاهده است.

شایان توجه است که مسأله اضافات در ترجمه قرآن کریم، فراتر از حوزه واژه بوده و گاهی جملات را نیز در بر می‌گیرد. این نوع افزونگی را که در ترجمه‌های مبتنی بر تفسیر کاربرد فراوان دارد، هالیدی و حسن "روابط معنایی" نام نهادند (امیری خراسانی و همکار، ۱۳۹۴: ۲۲) وجود این روابط در تصریح معانی اثرگذار است.

﴿إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ (اسراء/ ۴۰)

فولادوند: حقا که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید.

صفوی: راستی سخنی بزرگ بر زبان می‌رانید که پیامدهایی ناگوار دارد.

صفوی پس از ترجمه آیه عبارتی را به ترجمه افزوده که از نظر منطقی در حکم نتیجه عبارت پیشین به شمار می‌آید.

ترجمه پیشنهادی: به راستی شما سخنی بزرگ می‌گویید.

﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّشُورًا﴾ (اسراء/ ۴۵)

فولادوند: و چون قرآن بخوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم.

صفوی: و زمانی که قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده‌ای قرار می‌دهیم که از دیدگانشان مستور است، از این‌رو حقایق آن را در نمی‌یابند و به توحید و معاد ایمان نمی‌آورند و رسالت تو را تصدیق نمی‌کنند.

در ترجمه صفوی عبارتی افزوده شده است که در آن نتیجه فاصله همیشگی که میان کافران و پیامبر وجود دارد، تصریح می‌شود.

**ترجمه پیشنهادی:** و هرگاه قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند حجابی مضاعف قرار می‌دهیم.

﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمُشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾ (اسراء / ۹۵)

فولادوند: بگو اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می‌رفتند، البته بر آنان [نیز] فرشته‌ای را به عنوان پیامبر از آسمان نازل می‌کردیم.

صفوی: بگو: برخداست که اهل زمین را راهنمایی می‌کند، حتی اگر در زمین فرشتگانی بودند که به آرامی در آن راه می‌رفتند قطعاً برای هدایت آنها از آسمان فرشته‌ای که پیام آور وحی باشد بر آنان نازل می‌کردیم.

عبارت افزوده‌ای که در ابتدای ترجمه صفوی آمده است، انگیزه و هدف آفرینش پیامبران تصریح را می‌کند.

**ترجمه پیشنهادی:** بگو اگر در زمین، فرشتگانی بودند که با خطاری آسوده بر روی آن راه می‌رفتند، به طور قطع برای آنها، از آسمان پیامبری از جنس فرشته فرود می‌آوردیم.

﴿وَجَعَلْ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (اسراء / ۹۹)

فولادوند: [همان خداست که] برایشان زمانی مقرر فرموده که در آن هیچ شکی نیست.

صفوی: و حال آنکه خداست که برای عمرشان سرآمدی قرار داده است که در آن هیچ تردیدی نیست، سپس از آنان انتقام خواهد گرفت.

در ترجمه صفوی افزوده‌ای که با نقش‌نمای سپس آمده است، توالی زمانی وقایع را بیان کرده و سرنوشت کافران را تصریح می‌کند.

**ترجمه پیشنهادی:** و خداوند برای آنها مرگی قرار داده که هیچ تردیدی در [رخداد] آن نیست.

در این بخش مشخص شد که تعریض‌های توصیفی، نوعی تصریح اختیاری است که در راستای ارائه اطلاعات دربارهٔ محورهای معنایی توحید و مبارزه با هرگونه لجاجت در برابر حق و وجود حساب و کتاب در زندگی دنیوی و حق‌شناسی در سپهر گفتمانی قرآن مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

### ۳-۲- ارجاع<sup>۱۲</sup>

"ارجاع" کاربرد انواع مختلف واژگان در متن است که با ایجاد ارتباط بین جملات یک متن باعث انسجام آن‌ها می‌گردد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۱). در مطالعات ترجمه، کاریست شگرد ارجاع به سه روش صورت می‌گیرد که عبارتند از جایگزین کردن ضمیرها با اسم، افزودن صفات اشاره و واژه‌بست‌های مورد ارجاع (Nashar, 2016: 322)؛ البته این روش‌ها بر اساس ظرفیت‌های زبانی موجود در زبان انگلیسی است و اگر بخواهیم شگرد یاد شده را متناسب با ظرفیت‌های زبان عربی به‌کار ببریم باید بخش چهارمی با عنوان جایگزینی اسم به جای موصول به آن بیفزاییم. این امر ریشه در اختلاف تعریف "موصول" در دو زبان دارد؛ در زبان انگلیسی (وهمین‌طور فارسی<sup>۱۳</sup>)، موصول ضمیر است و همواره با مرجع خود در جمله ظاهر می‌شود؛ اما در زبان عربی موصول، اسم بوده و ممکن است خاص یا عام باشد؛ از این‌رو اگر در ترجمه آن، مرجع تصریح شود از نظر معنایی انسجام بیشتری حاصل می‌شود.

﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهَُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾ (اسراء / ۲۰)

فولادوند: هر دو [دسته] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم. صفوی: هر دو گروه هم دنیاطلبان و هم آخرت‌طلبان را از عطای پروردگارت مدد می‌رسانیم. در آیه ۲۰، مؤمنان و دنیاطلبان با اسم اشاره هُوَآء یاد شده‌اند. هدف این آیه، بیان برابری این دو گروه در بهره‌مندی از بخشش الهی است؛ به همین خاطر برای هر دو گروه از یک اسم اشاره استفاده شده است. فولادوند برای تصریح این دو گروه، از ضمیر اشاره

جمع نزدیک و دور؛ "اینان و آنان" بهره برده است. واضح است که عدم تصریح در این بخش، سبب ابهام در تشخیص مرجع اسم اشاره و بیگانه‌گرایی ترجمه شده است. در مقابل صفوی با بهره‌مندی از نگاه تفسیرگونه‌اش مرجع ضمائر را در ترجمه خویش بیان کرده است.

**ترجمه پیشنهادی:** ما هر دو گروه دنیاگرایان و آخرت‌گرایان را با بخشش پروردگارت یاری می‌رسانیم.

﴿كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾ (اسراء / ۳۸)

فولادوند: همه این [کارها] بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است.

صفوی: همه آن تکلیف‌ها که برشمردیم، بدش نزد پروردگار تو زشت و ناپسند است.

مرجع اسم اشاره "ذکر" مجموعه بایدها و نبایدها بیان‌شده در آیات پیشین است. فولادوند واژه کارها و صفوی تکالیف را تصریح کرده‌اند. کاربست واژه تکالیف به تنهایی نقص معنایی دارد؛ چه آنکه علامه طباطبایی هم در تصریح مرجع آن از "الواجبات والمحرمات" یاد کرده است (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۱۳: ۹۵).

**ترجمه پیشنهادی:** همه آن وظایف، بدش [اموری که از آنها منع شده‌اید] نزد پروردگارت ناپسند است.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ﴾ (اسراء / ۵۷)

فولادوند: آن کسانی را که ایشان می‌خوانند.  
صفوی: کسانی که مشرکان آنها را می‌پرستند.

در آیه بالا مرجع ضمیر «او» در فعل یدعون نیازمند تصریح است. ترجمه فولادوند، ترجمه‌ای لفظ به لفظ بوده، در حالی که صفوی این مرجع را تصریح کرده است. نکته دیگر آنکه صفوی در ترجمه خویش ضمیر مفعولی فعل یدعون را که به قرینه حذف شده است، تصریح کرده است؛ به همین دلیل ترجمه او به برگردانی لفظ به لفظ از نقش اشتغال در

زبان عربی تبدیل شده است و دارای تأکیدی بیش تر از آیه است. به منظور اجتناب از اظهار ضمیر فعل، پیشنهاد می شود فعل به صورت مجهول ترجمه شود. **ترجمه پیشنهادی:** کسانی که از سوی مشرکان خوانده می شوند. ارجاع، تصریح الزامی است؛ زیرا عدم تصریح مرجع ضمائر یا اسم هایی که به جای آن ها اسم اشاره جایگزین شده است سبب ابهام می شود.

### ۳-۳- تخصیص معنایی<sup>۱۴</sup>

گاهی اوقات در فرایند ترجمه، مترجم از یک واژه، معنایی را ارائه می دهد که نسبت به واژه متن مبدأ اختصاص بیشتری دارد (Nashar, 2016: 323). این تعریف کارکرد اشتراک لفظی در مطالعات قرآن کریم را یادآوری می کند. «اشتراک لفظی در ساده ترین تعریف به معنی دلالت لفظ بر معانی متنوع است» (مختار، ۱۹۹۸: ۱۴۵) و مترجم ناگزیر است با تکیه بر سیاق و تفاسیر، یک معنی را از میان مجموعه معانی انتخاب کند. شایان ذکر است که این معانی متنوع می توانند با یکدیگر مرتبط بوده یا کاملاً منفصل و مجزا از یکدیگر باشند (طیب حسینی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). در ادامه بحث، معیار تصریح پذیری را در واژه های قضاء، رحمت، ظلم و قعود مورد بررسی قرار داده ایم.

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (اسراء/ ۴)

فولادوند: به بنی اسرائیل خبر دادیم.

صفوی: و در آن کتاب به بنی اسرائیل اعلام کردیم.

مفاهیم "خبر دادن" و "فرمان دادن" از دیگر معانی کلمه "قضاء" است که در آیات ۴ و ۲۳ سوره اسراء به کار رفته اند (ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۰۷-۵۰۹). مفهوم قطعیت نقطه اشتراک معنایی این واژه است. هردو مترجم، در کاربست شگرد تخصیص و انتخاب معنای درست از میان مجموعه معانی به درستی عمل کرده اند.

**ترجمه پیشنهادی:** وما به بنی اسرائیل اطلاع دادیم و آنان را آگاه ساختیم.

﴿وَإِنَّمَا تَعْرِضْنَ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا﴾ (اسراء / ۲۸)

فولادوند: واگر به امید رحمتی که از پروردگارت جوئی آنی.

صفوی: اگر از تهیدستان به علت آنکه مالی در اختیار نداری روی برمی گردانی و گشایشی را از پروردگارت می طلبی.

واژه «رحمه» از ریشه «رحم» مشتق شده است و بر شفقت و مهربانی دلالت می کند. این واژه افزون بر آیه ۲۸ در آیه ۱۰۰ سوره در ترکیب «خزائن رحمه» نیز تکرار شده است. شایسته بیان است که این واژه در قرآن با توجه به بافت متنی آیات، معانی متنوعی را دارا است؛ مانند باران (طبری، ۱۹۹۴، ج ۳: ۴۵۱). بیضاوی و علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیات ۲۸ و ۱۰۰ سوره، این واژه را روزی و نعمت معرفی کرده اند (بیضاوی، ۲۰۰۰، ج ۱: ۲۹۹، ۳۲۲؛ طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۱۳: ۸۱). در ترجمه های مورد بحث، فولادوند برگردانی از واژه ارائه نداده است، ترجمه صفوی که واژه گشایش به جای رحمت استفاده شده است، صراحت بیشتری دارد.

**ترجمه پیشنهادی:** اگر از نیازمندان به خاطر رزق و روزی که از پروردگارت می طلبی و به آن امید داری رویگردانی.

﴿فَظَلَمُوا بِهَا﴾ (اسراء / ۵۹)

فولادوند: ولی به آن ستم کردند.

صفوی: ولی با دروغ شمردنش به خود ستم کردند.

ظلم به معنی ناقص کردن حق و قرار دادن چیزی در غیر موضع خویش است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۷۰). یکی دیگر از معانی این واژه انکار قرآن است (دامغانی، ۱۹۸۳: ۳۱۰). صفوی و فولادوند «ظلم» را «ستم کردن» ترجمه کرده اند. از آنجا که محور سخن درباره

معجزات پیامبران بوده و قرینه فعل "کذب" نشان‌دهنده انکار آن‌ها از سوی کافران است؛ بنابراین، معنای "ستم کردن" انتخاب صحیحی نیست. در همین راستا، "مصطفوی" برای واژه "ظلم" اقسام کفر، شرک و نفاق را معرفی کرده (۱۳۹۳، ج ۸: ۳۴۰) و "بیضاوی" در تفسیر خود، آن را کفر دانسته است (۲۰۰۰، ج ۱: ۳۰۸). بنابراین، با توجه به مفهوم انکار معجزات، بهتر است در شگرد معنایی اختصاص، واژه "کفر" در نظر گرفته شود.

**ترجمه پیشنهادی:** نسبت به آن [معجزه] کفر ورزیدند.

نکته قابل توجه آن است که در اختصاص معنا، معانی متعدد از یک واژه الزاماً در یک یا چند مفهوم کلی با یکدیگر پیوند ندارند و به عبارت دیگر، یک واژه می‌تواند دو یا چند معنای مستقل از یکدیگر را داشته باشد. نمونه آن فعل "قعد" است.

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعَدَ مَذْمُومًا مَّحْدُولًا﴾ (اسراء / ۲۲)

فولادوند: با خدا معبودی دیگر قرار مده که نکوهیده و بی‌یاور [برجای] بنشین. صفوی: با وجود خدا معبود دیگری برای خود قرار مده که نکوهیده و بی‌یاور از تقرب به خدا بازخواهی ماند.

فعل "قعد" به معنی درنگ کردن در حالت ایستاده یا نشسته است، همچنین این واژه را مجازاً به معنای عجز و ناتوانی هم به کار برده‌اند (قونوی، ۲۰۰۱، ج ۱۱: ۴۷۶)، معنای دیگر این واژه مفاهیم "تبدیل و دگرگونی" است که در این صورت از افعال ناقصه به شمار می‌آید (سیوطی، ۲۰۱۲، ج ۱: ۳۳۴).

این فعل در آیه ۲۹ سوره "اسراء" نیز همراه حرف فاء سببی تکرار شده است: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾.

حرف فاء سببی در ساختار جملات طلبی می‌آید و جمله بعد از آن در حکم پیامد و نتیجه عبارت پیش از این حرف است؛ بنابراین، در این دو آیه، "سرزنش شدن و ملوم

گشتن " پیامدهای پرستش معبود دیگر و عدم تعادل در بخشندگی بوده و از سویی دیگر، از نظر دستوری، این دو، خبر فعل ناقصه "قعد" هستند.

**ترجمه پیشنهادی:** تا نکوهش شده و حسرت زده نشوی.

در این بخش دانستیم که برخی از واژه‌های قرآنی بر اساس بافت و سیاق آیات دارای معانی متنوعی هستند. مترجمان وظیفه دارند با تکیه بر کتب تفسیر و فرهنگ‌های ویژه معانی خاص را کشف و تصریح کنند. این کار تصریح الزامی است و مترجمان با استفاده از آن، اقدام به اختصاص اطلاعات موجود در سپهر گفتمانی سوره کرده‌اند؛ اطلاعاتی دربارهٔ محورهای معنایی تاریخ بنی‌اسرائیل و توحید.

### ۳-۴- تعمیم معنی<sup>۱۵</sup>

در این شگرد برخلاف شیوهٔ اختصاص معنایی، مترجم، برگردانی از واژگان ارائه می‌دهد که عمومیت بیشتری نسبت به معنای اصلی آن واژه دارد (Nashar, 2016: 324). در این راستا ترجمهٔ واژه‌های مسجد، ابتغاء، فضل، فعل صلی و انغاض را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

﴿وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾ (اسراء / ۷)

فولادوند: و در معبد[تان] چنانکه بار اول داخل شدند.

صفوی: و به مسجدالاقصی درآیند و حرمت آن را بشکنند و آن را ویران کنند چنانکه نخستین بار بدانجا وارد شدند.

واژه "مسجد" در ترجمه فولادوند به عنوان معبد ترجمه شده است. این واژه که قدمتش مربوط به پیش از اسلام است، بنابر باور عده‌ای از زبان‌آرامی وارد زبان عربی شده و به معنی محل سجده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۲۰۷). این توضیحات بیانگر این مطلب است که در مسجد کنش عبادت، به شیوه‌ای خاص صورت می‌پذیرد، حال آنکه واژه معبد عمومیت دارد و هر پرستشگاهی را شامل می‌شود و در نتیجه مخاطب ترجمه در فهم این که این آیه دربارهٔ گروه یکتاپرست یا غیر از آن است با مشکل و ابهام روبرو می‌شود؛ البته



ارزیابی «واهربرد تصریح» در سبک های ترجمه ای قرآن کریم ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و سیدمحمد موسوی بفرغی

فولادوند با افزودن واژه‌بست "نان" به کلمه "معبد" تلاش کرده است، این نقص را تا حدودی بر طرف سازد. در مقابل، صفوی با تصریح مضاف‌الیه "الأقصى" به خوبی توانسته است، مکان مورد نظر را معین و محور معنایی تاریخ بنی اسرائیل را برجسته سازد. **ترجمه پیشنهادی:** تا وارد مسجدالأقصى شوند، همانگونه که نخستین بار وارد شدند.

﴿لَتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ﴾ (اسراء / ۱۲)

فولادوند: تا [در آن] فضلی از پروردگارتان بجوید.

صفوی: تا شما در پرتو آن روزی خود را که تفضلی از جانب پروردگارتان است بجوید و تا شماره سال‌ها و حساب اوقات را بدانید.

فعل "تبتغوا" از ریشه "بغی" مشتق شده است و اهل زبان، آن را درخواست مصرانه معنا کرده‌اند: «هو الطلب الشديد والإرادة الأكيدة» (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۳۴)، نکته دیگر آنکه وزن صرفی باب افتعال به این واژه، معنای اختیار را نیز افزوده است؛ بنابراین، "ابتغاء" خواستن داوطلبانه و مصرانه است. هر دو مترجم، برگردانی کلی و عمومی از این واژه ارائه داده‌اند. همچنین، با رجوع به منابع تفسیری دریافتیم که واژه فضل به معنی رزق و مال است: «عبر عن الرزق بالفضل» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۲۹) و «فضل بمعنی مال وما یکتسب» (راغب اصفهانی، ۲۰۰۹: ۶۳۹)؛ بنابراین، تحصیل رزق و مال نوعی فزونی به شمار می‌آید. شایان ذکر است که همین معنا از واژه فضل در آیه ۶۶ سوره نیز مستفاد می‌شود: ﴿رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾ فولادوند عین واژه را در ترجمه خویش تکرار کرده است و صفوی ضمن تصریح معنای آن به شرحش نیز پرداخته است. **ترجمه پیشنهادی:** تا [مجدانه] در کسب [روزی و مال] از جانب پروردگارتان بکوشید.

﴿جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا﴾ (اسراء / ۱۸)

فولادوند: آن‌گاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد برای او مقرر می‌داریم.

صفوی: آن‌گاه دوزخ را برای او مقرر می‌داریم تا ملامت شده و مطرود از رحمت خدا به آن درآید و به آتش آن بسوزد.

فعل "یصلی" از ریشه "صلی" مشتق شده است. فولادوند با توجه به معنایی که راغب اصفهانی از این واژه ارائه داده است (۲۰۰۹: ۴۹۰) آن را "داخل شدن در آتش" ترجمه کرده که برگردانی ضعیف است. در مقایسه، ترجمه صفوی صراحت بیشتری دارد؛ زیرا وی معانی وارد شدن و سوختن را مد نظر داشته است؛ البته در زبان عربی، واژه "احتراق" هم به معنی سوختن است؛ از این رو شایسته است، به منظور ارائه ترجمه‌ای هم‌ارز به بیان ویژگی‌های منحصر به فرد فعل "یصلی" پردازیم؛ به عنوان مثال "ابن کثیر" فراگیر بودن آن را مد نظر داشته است؛ «یصلاها أي یدخلها حتی تغمره جمیع جوانبه» (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج ۵: ۲۸۴)، "مصطفوی" نیز آن را سوختن به همراه تحمل درد و رنج معنی کرده است؛ «صلی بالئار: احترق فیها وقاسی حرّها» (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج ۶: ۳۳۴). از آنجا که در زبان فارسی، واژه‌ای که در بردارنده دو معنی فراگیری و درد و رنج ناشی از سوختن باشد، وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود با جایگزینی شگرد بازسازی، معنای مورد نظر در قالبی دیگر از ساختار زبانی (قید حالت) تصریح شود.

**ترجمه پیشنهادی:** برای او جهنم را قرار داده‌ایم در حالی که وی دردمندانه در شراره‌های فراگیرش می‌سوزد.

﴿فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ﴾ (اسراء / ۵۱)

فولادوند: سرهای خود را به طرف تو تکان می‌دهند.

صفوی: پس سرهایشان را از روی استهزا به طرف تو تکان می‌دهند.

فولادوند کلمه "انغاض" را حرکت سر ترجمه کرده که این ترجمه نسبت به دال، گستره معنایی بیشتری دارد، صفوی با تکیه بر معنای برگرفته از تفسیر المیزان، آن را حرکت دادن سر از روی استهزاء ترجمه نموده است. این درحالی است که اهل زبان آن را حرکت

ارزیابی «واهرد تصریح» در سبک های ترجمه ای قرآن کریم ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و سیدمحمد موسوی بفرهنگی

توأم با تعجب معنی کرده‌اند: «أنغض: حرک رأسه إنغاضاً (تعجباً)» (ابن فارس ۱۹۷۹: ۴۵۴؛ راغب اصفهانی، ۲۰۰۹، ج ۴: ۸۱۶).

**ترجمه پیشنهادی:** سرهایشان را [از روی تعجب و انکار] به سوی تو تکان می‌دهند. در نمونه‌های یاد شده، محورهای معنایی درباره تاریخ بنی‌اسرائیل، عقوبت آخرت و تاریخ پیامبران است. فولادوند از شگرد تعمیم در تصریح معانی استفاده کرده که به سبب ارائه اطلاعات به شکل کلی برگردانی دقیقی ارائه نداده است؛ در مقابل، صفوی با کاربرد شیوه تخصیص توانسته است در راستای تحقق هدف اصلی ترجمه قرآن کریم که همانا دستیابی به هم‌ارزی حداکثری است، گامی مؤثر بردارد.

### ۳-۵- ترمیم/جبران<sup>۱۶</sup>

گاهی اوقات، مترجم در فرایند برگردان با واژه‌هایی روبرو می‌شود که در زبان مقصد معادلی برای آن‌ها وجود ندارد؛ به همین دلیل، او سعی می‌کند با استفاده از شگرد ترمیم، اثر تقریبی آن واژه یا ساختار ویژه دستوری را در زبان مقصد بازتاب داده و انسجام متن را حفظ نماید (Salim Mohammed, 2018: 15). بهره‌گیری از هم‌آیی‌ها و ترکیبات مترادف در ترجمه واژه‌های قرآنی، نمونه بارز شگرد ترمیم به شمار می‌آید. در این راستا، ترجمه‌های واژه‌های مترف، فسق و تبذیر، مرح و ضل را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

﴿أَمْوَنًا مُّثْرِفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا﴾ (اسراء/ ۱۶)

فولادوند: خوشگذرانان را و ما می‌داریم تا در آن به انحراف [وفساد] بپردازند. صفوی: بر نعمت توانگران و مرفهان آن می‌افزاییم و آنان با سرمستی بندگی خدا را رها می‌کنند و در آن دیار به فسق و فجور می‌پردازند.

واژه مترف از ریشه "ترف" بوده و در زبان فارسی خوشگذران ترجمه شده است که در برگیرنده مفاهیم لذتجویی و تن‌پروری است. از سوی دیگر، این کلمه از باب "افعال" ساخته شده است؛ «اتراف به معنی اصرار در ظلم و نعمت است و مترّف، "اسم مفعول" آن،

یعنی واگذاشته شده به خود که هرچه بخواهد بکند، یا افسار گسیخته‌ای که هرچه دلخواه وی باشد، انجام دهد و مانعی در راه عیش و خوشی خود نبیند، و نیز به معنی ناز و نعمت پرورده و ستمکار است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۸۷). با توجه به این تعریف‌ها واژه خوشگذران نمی‌تواند به طور جامع و کامل معنای مترف را منعکس کند؛ زیرا این واژه تنها مفهوم سرخوشی و دلخوشی ناشی از ثروت را بازتاب داده و مفاهیم ستمکاری و عصیان‌گری موجود در واژه نادیده گرفته شده است و در نتیجه با نقص معنایی مواجه هستیم. صفوی در ترجمه به ساختار معنایی و نحوی آیه پایبند نبوده، ترجمه‌ای آزاد ارائه داده و از جملات توضیحی استفاده کرده است. این در حالی است که کاربست شگرد ترمیم در تصریح معنی مؤثرتر است.

«فسق» واژه‌ای دیگر در این بحث است. ظاهراً مفهوم «فسق» نخستین بار از سوی قرآن در وصف انسان به کار برده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۴۲۶). معنی اصلی این واژه بر جدا شدن خرما از پوست دلالت می‌کند که بعد از کاربرد ویژه قرآن بسط معنایی یافته است؛ به این ترتیب «فاسق» به کسی اطلاق می‌شود که بعد از معرفت و التزام به احکام الهی آن‌ها را نادیده گرفته و راه کفر را در پیش گیرد (همان). فولادوند در ترجمه این واژه از ترکیب مترادف «انحراف و فساد» بهره گرفته که معنایی نزدیک‌تر به فسق ارائه می‌دهد؛ اما صفوی عین واژه را در ترجمه تکرار کرده است.

**ترجمه پیشنهادی:** به خوشگذرانان ستم‌پیشه ره‌اشده، امکان می‌دهیم تا در دنیا کفر پیشه کنند.

﴿وَلَا تُبْذَرُ تَبْدِيرًا﴾ (اسراء / ۲۲) *رمال جامع علوم انسانی*

فولادوند: ولخرجی و اسراف مکن.

صفوی: هرگز به اسراف ریخت و پاش نکن.

واژه «تبدیر» که ریشه آن واژه بذر است، در اصل به معنی ریختن بذر در زمین است که دچار بسط معنایی شده و به بی‌هدف خرج کردن اطلاق می‌شود. در مثال بالا فولادوند

ارزیابی «واهرد تصریح» در سبک های ترجمه ای قرآن کریم ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و سیدمحمد موسوی بفرهنگی

از دو واژه مترادف «ولخرجی و اسراف» در ترجمه تفسیر استفاده کرده است. در ترجمه صفوی ترکیب ریخت و پاش که پس از اسراف آمده است، معنی اسراف را تکرار می کند. این تکرار زائد بوده و حشو به شمار می آید. **ترجمه پیشنهادی:** هیچ گونه ولخرجی نکن.

﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾ (اسراء / ۳۷)

فولادوند: در روی زمین با نخوت گام برمदार.

صفوی: و در زمین از روی سرمستی و خودبینی گام برمदार.

اهل زبان واژه "مرح" را شادی و نشاط بسیار معرفی کرده اند: (زمخسری، ۲۰۰۶: ۵۸۸)، معانی شدت شادی باطل و خودپسندی نیز از این واژه دریافت شده است. صفوی برخلاف فولادوند توانسته است با استفاده از شگرد ترمیم و هم آیی واژه های "سرمستی و خودبینی" مفاهیم موجود در واژه مورد بحث را پوشش و بازتاب دهد. **ترجمه پیشنهادی:** بر روی زمین، سرخوشانه و سرمستانه راه نرو.

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ﴾ (اسراء / ۶۷)

فولادوند: و چون در دریا به شما صدمه ای برسد هر که را جز او می خوانید ناپدید [و فراموش] می گردد.

صفوی: هنگامی که در دریا آسیبی به شما می رسد و در معرض غرق شدن قرار می گیرید، جز خدا هر که را برای نیازهای خود می خوانید، به دل و اندیشه شما راه نمی یابد.

مفسران در تفسیر عبارت "ضل" می گویند: در پیشامدها هر آنچه غیر از خداست از

ذهن های شما محو می شود (زمخسری، ۱۹۹۸، ج ۳: ۵۳۲؛ طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۱۳: ۱۴۹).

بنابراین، ضل به گم شدن در اثر فراموشی اطلاق می شود و فولادوند با استفاده از شگرد ترمیم توانسته است ترجمه مقبولی را ارائه دهد؛ اما ترجمه صفوی برگردانی آزاد است. همچنین، معانی در خواست کردن و عبادت کردن برای فعل "تدعون" تصریح شده که بنا

بر باور علامه طباطبایی معنای نخست مد نظر است (همان: ۱۵۰). هر دو مترجم معنای فعل را به درستی تصریح کرده‌اند.

**ترجمه پیشنهادی:** و هرگاه در دریا گزندی به شما برسد، [نام ویاد] همه افرادی [که همواره] از آنان درخواست می‌کنید به غیر از الله ناپدید می‌شود.

در این بخش همان‌طور که از نظر گذشت مترجمان توانسته‌اند با استفاده از شگرد ترمیم که از نوع تصریح اجباری است، اطلاعاتی را در محورهای معنایی نتیجه اختیار و انتخاب انسان، تحریم اسراف، تکبر و نهی لجاجت در برابر حق ارائه دهند.

### ۳-۶- تصریح نقش‌های محذوف<sup>۱۷</sup>

گاهی در زبان مبدأ، کلمات یا عباراتی از جمله حذف می‌شود و مخاطب زبان نخست در فهم معنا به سبب وجود قرینه‌های لفظی یا معنایی دچار مشکل و ابهام نمی‌شود؛ اما از آنجا زبان‌ها ساختارهای دستوری متفاوتی را دارا هستند، مترجم در فرآیند ترجمه، ناگزیر است، این نقش‌ها را منطبق با ساختار زبان مقصد اظهار کند (Nashar, 2016: 326).

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ (اسراء/ ۵)

فولادوند: پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد.

صفوی: پس چون زمان تحقق وعده انتقام ما به سزای نخستین‌بار از آن دو سرکشی فرا رسد.

تفسیر زبانی بیانگر آن هستند که مضاف‌الیه بعد از وعد در آیات حذف شده است و تقدیر آن "وعد عقاب اولاهما" است (ثعالبی، ۱۹۹۷، ج ۳: ۴۵۲؛ طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۱۳: ۳۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود، فولادوند برخلاف صفوی به نقش حذف شده توجه داشته است. با توجه به تفسیر یاد شده بهتر است ترجمه واژه "عقاب" به جای "تحقق" استفاده شود، همچنین اگر مرجع ضمیر در کلمه "اولاهما" تصریح شود، برگردان دقیق‌تری خواهیم داشت.

**ترجمه پیشنهادی:** هرگاه زمان مجازات نخستین سرکشی فرارسد.

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَخُونَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً﴾ (اسراء/ ۱۲)

فولادوند: و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم.

صفوی: ما شب و روز را دو نشانه توحید قرار داده ایم؛ شب را که نشانه است تاریک ساخته و روز را که نشانه ای دیگر است روشن و روشنی بخش گردانده ایم.

موضوع سخن در این آیه، وجود شب و روز است. مفسران بر این باورند وجود شب و روز خود آیه و نشانه است (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۱۳: ۵۱).

از نظر دستوری واژه "جعل" از فعل های دو مفعولی است. صاحب "روح المعانی" بر این باور است که مفعول نخست، واژه "ذوی" از جمله حذف و مضاف الیه آن باقی مانده است و تقدیر جمله چنین بوده است: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ذَوِي آيَاتٍ﴾ (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۵۰). فولادوند این نقش محذوف را به درستی در ترجمه تصریح کرده است؛ اما صفوی "آیتین" را به عنوان مفعول دوم در نظر گرفته که این امر سبب نادرستی ترجمه شده است؛ به این ترتیب که در ابتدا وجود شب و روز، خود، به عنوان نشانه های توحید معرفی می شوند و سپس به توضیح کیفیت نشانه شب و روز پرداخته شده است؛ به همین خاطر ترجمه او فاقد انسجام منطقی است.

**ترجمه پیشنهادی:** برای شب و روز دو نشانه قرار دادیم؛ تاریکی را نشانه شب و روشنی و روشنی بخشی را نشانه روز قرار دادیم.

﴿قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ﴾ (اسراء/ ۱۱۰)

فولادوند: بگو خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید.

بگو: خدا را با نام "الله" بخوانید یا با نام "رحمان" بخوانید، تفاوت نمی کند.

در آیه بالا، فعل "ادعوا" به معنای «تسمیه» است (زمخشری، ۲۰۰۶: ۱۸۹) و از افعال دارای دو مفعول به شمار می‌آید. در ترجمه فولادوند این اصل مورد توجه قرار نگرفته است؛ در حالی که صفوی مفعول نخست را به شکل اسم ظاهر، لفظ جلاله "الله" در ترجمه آشکار ساخته و ترجمه دقیق‌تری ارائه داده است.

**ترجمه پیشنهادی:** بگو او را الله بنامید یا رحمان.

﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ قَالُوا﴾ (اسراء/ ۹۴)

فولادوند: و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت، جز این که گفتند. صفوی: و چیزی مردم را آن‌گاه که هدایت برایشان آمد از ایمان به رسالت تو باز نداشت، مگر این که گفتند.

از نظر دستوری، جملات آیه بالا در قالب اسلوب استثنای مفرغ ساخته شده‌اند. در استثنای مفرغ که استثنایی غیرتام و غیر موجب است، مستثنی‌منه حذف و مستثنی بر اساس نقش در جمله اعراب می‌پذیرد. نحویان بر این باورند که «نقش فاعل در مستثنای مفرغ غیر قابل حذف است، مگر آنکه در جمله نقش بدل که در حکم مبدل‌منه است وجود داشته باشد» (زهرانی، ۲۰۰۰: ۶۹۵). بنابراین تعریف، فاعل در آیه بالا کلمه "شیء" بوده که عبارت مصدری «أن قالوا» بدل آن است. این نقش حذف شده در ترجمه‌های فولادوند و صفوی تصریح شده است.

**ترجمه پیشنهادی:** تنها چیزی که مانع ایمان آوردن مردم شد، این سخنشان بود که گفتند. در نمونه‌های بالا، شاهد آن بودیم که با استفاده از شگرد تصریح نقش‌های محذوف، مفاهیم مرتبط با محورهای معنایی توحید و عقوبت اخروی که به صورت ضمنی در زبان مبدأ وجود داشتند به سطح روساخت متن منتقل می‌شوند. این شگرد، از مصادیق تصریح الزامی است؛ زیرا اگر مترجم نقش‌های محذوف را تصریح نکند یا در این رابطه



تشخیصی نادرست داشته باشد، بخشی از اطلاعات سپهر گفتمانی متن مبدأ در ترجمه منعکس نمی‌شود.

### ۳-۷- بازسازی جمله<sup>۱۸</sup>

در تصریح، معادل‌یابی تنها در سطح معنای واژگان منحصر نیست، بلکه ساحت دستور زبان را هم در بر می‌گیرد. باید توجه داشته باشیم که «ترتیب و نوع واحدهای زبانی در زبان‌های مبدأ و مقصد همواره یکسان نیست؛ از این رو، مترجم ناگزیر است برای ارائه ترجمه‌ای قابل فهم و پذیرش این ترتیب‌ها را تغییر دهد» (Nashar, 2016: 327). این تغییرات، بازسازی نام دارد که مبتنی بر هنجارهای زبانی زبان مقصد بوده و هدف از آن، تصریح معنا در قالب ساختار زبانی متعارف و معیار زبان مقصد است.

﴿أَقَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرِهْتَ عَلَيَّ﴾ (اسراء / ۶۲)

فولادوند: گفت: به من بگو این کسی را که بر من برتری دادی.

صفوی: گفت: آیا دیدی این کسی را که بر من برتری دادی.

فعل رأیتک به ظاهر استفهام است، این درحالی است که اهل زبان آن را فعل امر "به من خبر ده" می‌دانند؛ «أَرَأَيْتَكَ: هِيَ كَلِمَةٌ تَقُولُهَا الْعَرَبُ بِمَعْنَى أَحْبَبْتَنِي» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۶۴).

فولادوند این فعل را گفتن، ترجمه کرده است که برگردانی نادرست است. صفوی نیز ترجمه‌ای لفظ به لفظ ارائه داده است. این مثال نشان می‌دهد در عرف زبان‌ها برخی عبارات، معنایی ویژه دارند که با ساختار ظاهری آن‌ها متفاوت بوده و ترجمه آن‌ها نیازمند توجه و دقت است.

**ترجمه پیشنهادی:** گفت: مرا از این کسی که بر من برتری اش دادی آگاه ساز.

صرف نظر از این عبارات‌های استثناء، در زبان فارسی برگردان نقش‌هایی از دستور زبان عربی، چون اشتغال و بدل از ضمیر با چالش‌های بسیاری روبرو بوده است؛ زیرا بحث

اشتغال در دستور زبان فارسی وجود ندارد و کاربرد بدل از ضمیر نیز متفاوت است. در ادامه به تحلیل مثال‌هایی در این باب می‌پردازیم.

﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾ (اسراء/ ۱۳)

فولادوند: وکارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم.

صفوی: وکارهای نیک و بد هر انسانی را که تعیین کننده سرنوشت اوست برای همیشه به گردن وی آویخته‌ایم.

اشتغال آن است که اسمی بر عامل خود مقدم شود و آن عامل دارای ضمیری باشد که مرجعش، اسم مقدم است. همچنین ضمیر اسم مرجع می‌تواند به صورت مضاف‌الیه اسمی دیگر بعد از عامل در جمله قرار گیرد (سیوطی، ۲۰۱۲: ۷۷).

از منظر زبان‌شناسی، اشتغال از جمله ساخت‌های نشان‌دار به‌شمار می‌آید؛ «مفهوم نشان‌دار بر اساس تغییر جایگاه سازه‌های جمله به وجود می‌آید؛ به این معنا که سازه‌ها دستخوش حرکت شده و در غیر جایگاه اصلی خود قرار می‌گیرند. سازه برجسته و نشان‌دار، کانون معنایی جمله بوده و بار معنایی آن بیش از ساخت‌های بی‌نشان است» (گلفام و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۶). در آیه بالا کلمه «کل» مشتغل‌عنه است و ضمیر «هاء» در فعل «الزمناه» مشتغل‌به بوده و مرجع آن کلمه «کل» است.

پرواضح است تقدیم مفعول بر عامل و اظهار ضمیر آن در فعل به منظور برجسته‌سازی مفعول جمله صورت گرفته است. ترجمه‌های فولادوند و صفوی براساس آرایش کلامی مبتنی بر دستور زبان فارسی است که طبیعتاً مفهوم تأکید آیه تصریح نشده است. در این میان، صفوی با استفاده از عبارت توصیفی «که تعیین کننده سرنوشت اوست» کلمه «طائر» را برجسته ساخته است، نه انسان را. بر اساس پیشنهاد کاظمی نجف‌آبادی، بهره‌گیری از حرف «که» تأویل پس از مفعول و سپس اظهار ضمیر هم‌مرجع مفعول بعد از این حرف می‌تواند معادل ساختاری مناسبی در برگردان اشتغال به شمار رود (۱۳۹۹: ۶۱).

**ترجمه پیشنهادی:** وهر انسانی که کارنامه عملش را به گردن او بسته‌ایم [و آن را همراه همیشگی وی قرار دادیم].

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ﴾ (اسراء / ۱۸)

فولادوند: هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است به زودی هر که را خواهیم [نصیبی] از آن می‌دهیم.

صفوی: هر که پیوسته [دنیای] زودگذر را بخواهد، هر چه بخواهیم و برای هر که اراده کنیم، در اینجا زود به او می‌دهیم.

در این آیه اسم موصول "من" به همراه حرف جر، بدل از ضمیر در ترکیب «له» است. به این نوع تابع، بدل از ضمیر گویند. دستور نویسان زبان فارسی، در تعریف بدل چنین گفته‌اند: «بدل، اسم یا گروه اسمی است که نام دیگر یا شهرت یا مقام و عنوان یا لقب یا شغل یا یکی دیگر از خصوصیات اسم قبل از خود را بیان می‌کند» (احمدی گیوی، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

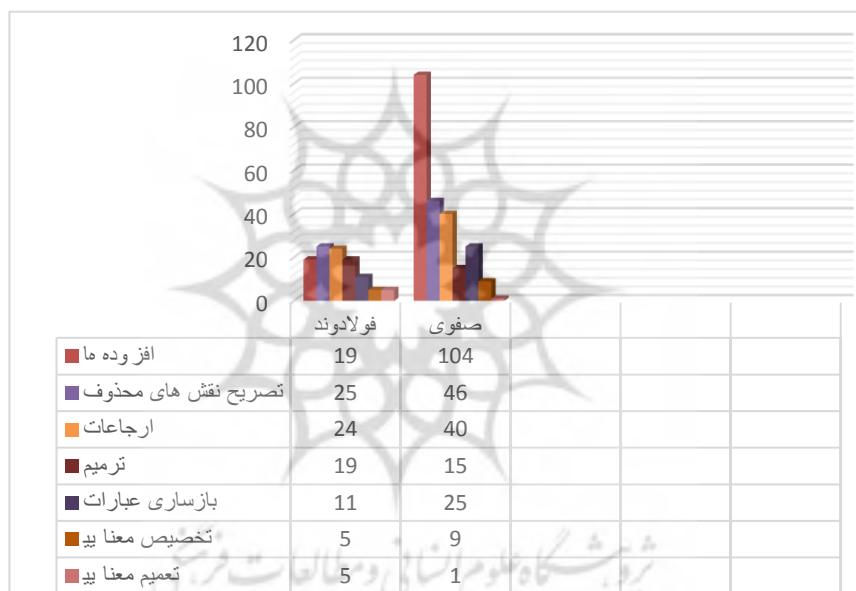
در واقع، بدل برای توضیح یا تاکید اسم قبل از خود می‌آید (خیام‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴). گاهی اوقات میان بدل و بدل‌دار (مبدل‌منه) به وسیله فعل و وابسته‌های آن فاصله ایجاد می‌شود؛ مانند: او فریدون است، برادر من. در این حالت بدل‌دار اسم خاص یا گروه اسمی خاص است و بدل، اسم عام یا گروه اسمی عام. این تابع در زبان فارسی "بدل گسسته" نام دارد (فرشیورد، ۱۳۵۵: ۱۳۴).

در آیه حاضر، هر دو مترجم در ترجمه بدل و بدل‌دار تحت‌اللفظ عمل کرده‌اند و مخاطب به اشتباه تصور می‌کند موضوع سخن در بخش اول آیه که با اسلوب شرط بیان شده با آنچه در جزای شرط آمده متفاوت است؛ گو این‌که از دو گروه سخن به میان آمده است؛ دسته‌ای که طالب دنیا هستند و گروهی که مورد اراده خداوند هستند. در حالیکه اسم موصول «من» همان ضمیر در ترکیب «له» است که بر دنیا طلبان اطلاق می‌شود. بدیهی است بسندگی به ترجمه لفظ به لفظ سبب بیگانه‌گرایی در ترجمه شده است. به همین

جهت، اگر از سازه "بدل گسسته" در ترجمه استفاده شود، این کژتابی در فهم برطرف شده، انسجام متن بیشتر حفظ می شود و محور معنایی کیفر اخروی به شکلی برجسته تصریح می شوند.

**ترجمه پیشنهادی:** هرکس در پی دنیای زودگذر باشد، هرچه بخواهیم به او بی درنگ می دهیم، به هرکس که اراده کنیم.

نمودار ۱: بسامد شگردهای تصریح در ترجمه های فولادوند و صفوی



از آنجا که اساس مقاله حاضر مبتنی بر تطبیق و مقایسه میزان کاربست شگردهای تصریح در ترجمه های فولادوند و صفوی می باشد، شایسته است، نتایج بررسی ها به وسیله نمودار بصری سازی شوند؛ چه آنکه بصری سازی اطلاعات نقش مهمی در تبیین رویکرد مترجمان دارد.

مجموع میزان کاربرد عناصر تصریح در ترجمه فولادوند ۱۰۸ و در ترجمه صفوی ۲۴۰ مورد است.

محور عمودی این نمودار مقدار (بر اساس عدد) ستون‌ها را نشان می‌دهد. محور افقی بر اساس تعداد ترجمه‌های مورد تحقیق به دو بخش تقسیم شده است. از آنجا که فولادوند بر صفوی تقدم زمانی دارد، بخش نخست به ترجمه او اختصاص داده شده است. ستون‌ها در واقع مجموعه داده‌ها هستند که هر یک با رنگی خاص مشخص شده‌اند. در این نمودار، مقادیر مجموعه‌ای از شگردهای تصریح در برابر نام هر یک از مترجمان قابل مشاهده است. در هر دو ترجمه شگردهای تعریض‌های توصیفی (افزوده‌ها)، تصریح نقش‌های محذوف و ارجاعات بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه آن است که تعریض‌های توصیفی در ترجمه صفوی بر خلاف ترجمه فولادوند بیشتر شامل جملات می‌شود.

#### ۴- نتیجه گیری

نتایجی که در این جستار به آن دست یافتیم به شرح زیر است:

۱- در ترجمه فولادوند شکل و محتوای عبارات توأمان و با کمترین تصرف به مخاطب منتقل شده است؛ از این رو از میان شگردهای تصریح، تعریض‌های توصیفی (افزوده‌ها)، ارجاع و تصریح نقش‌ها که عمدتاً کارکردشان مرتبط با ارائه اطلاعات است به میزانی محدود بهره برده و حتی با استفاده از شگرد تعمیم بخشی از معانی را به صورتی کلی و ناقص در برگردان خویش منتقل نموده است. این امر نشان می‌دهد که در سبک ترجمه فولادوند حفظ ساختار زبان مبدأ اولویت داشته و در نتیجه این سبک مبتنی بر هم‌ارزی ساختاری است.

۲- ترجمه صفوی ترجمه‌ای مبتنی بر تفسیر است؛ از این رو در سبک آن، کشف و ابراز مدلول بیش از اظهار معنی اهمیت دارد. این مهم را می‌توان از نحوه انعکاس عناصر تصریح

در متن ترجمه بدون علائم جداکننده دریافت. همچنین فزونی عبارتهای توضیحی نیز مؤیدی دیگر بر این مدعاست؛ بنابراین سبک ترجمه صفوی مبتنی بر هم‌ارزی کاربردی است؛ زیرا هدف صفوی از ترجمه اثرگذاری بر مخاطب است. او تلاش کرده است مدل‌ها را کشف کند؛ از این‌رو شگردهای ارجاع، تصریح نقش‌های محذوف، افزودن عبارات توضیحی را با هدف بیان حوادث، تبیین علت‌ها و نتایج به کار گرفته است.

۳- کاریست این شگردها سبب شده است سبک ترجمه صفوی از نظر دستوری و روابط معنایی، درمقایسه با سبک ترجمه فولادوند، از انسجام بیشتری برخوردار شود و همچنین اطلاعات بیشتری از چهارچوب سپهر گفتمانی سوره اسراء در اختیار مخاطب قرار دهد؛ اما توجه بیش از حد به این مقوله، سبک ترجمه‌اش را نامتعادل ساخته است؛ توضیح آنکه مترجم در سطح معنایی به جای واژه‌گزینی و کاریست واژه‌های مترادف، به شرح یک واژه پرداخته است.

۴- عدم توجه به ظرایف معنایی حاصل از ساختارهای نحوی خاص زبان عربی و بسنده کردن به بیان معنای نحوی، سبب شده است، هر دو سبک ترجمه در تصریح مفاهیم تأکید شده در سپهر گفتمان سوره فاقد هم‌ارزی مورد انتظار باشند.

۵- پیشنهاد می‌شود مترجمان به منظور اجتناب از ابهام در فرآیند ترجمه به جای شگرد تعمیم، از شیوه‌های جایگزین، مانند تخصیص معنایی، تعریض‌های توصیفی یا ترمیم بهره برند.

۶- سبک ترجمه پویا چون تابلویی است که چهار لایه راهبرد تصریح را به نمایش می‌گذارد؛ به همین خاطر شایسته است این شگردها که همگی از نوع تصریح الزامی هستند، به اندازه متعادل در ترجمه به کار روند.

## ۵- پی‌نوشت

- 1- Explicitation
- 2- Jean Darbelnet (1904-1990)
- 3- Jean-Paul Vinay (1910-1999)
- 4- Séguinot (1988)

- 5- Blum-Kulka
- 6- Klaudy Kinga (1945-)
- 7- Required Explanation
- 8- Mona Baker (born 1953)
- 9- Optional Eplanation
- 10- Practical Explanation
- 11- Explicative Paraphrase
- 12- Reference

13- در کتاب‌های دستور هر جا از موصول ذکر می‌شود به میان آمده است، این نکته را یادآوری شده است که "که" موصول برای شخص و غیر شخص استعمال می‌شود و کلمات شخص و غیر شخص یک عمل جانشینی را می‌رسانند که از ویژگی ضمائر است.

- 14- Specification
- 15- Lexical broadening
- 16- Compensation
- 17- Ellipsis
- 18- Sentence reconstruction

## ۶- منابع

### \*قرآن کریم

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۵ق).
- ۲- ابن جوزی، جمال‌الدین، نزهة الأعیین النواظر فی علم الوجوه و النظائر، تحقیق: محمد عبدالکریم کاظم الراضی، ط ۳، بیروت، مؤسسة الرسالة، (۱۹۸۷م).
- ۳- ابن فارس، ابوالحسین. معجم مقاییس اللغة، دارالفکر، (۱۹۷۹م).
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمش الدین، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۹۹۸م).
- ۵- احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن، دستور زبان فارسی، تهران، فاطمی، (۱۳۷۹م).
- ۶- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک، تفسیر الثعالبی، تحقیق: عبدالفتاح ابوسنه، ط ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی، (۱۹۹۷م).
- ۷- خیام‌پور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، ستوده، (۱۳۸۴ش).

- ۸- دامغانی، حسین بن محمد، قاموس القرآن أو اصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، تحقیق: عبدالعزیز سید الاهل، ط ۴، دارالعلم للملایین، بیروت، (۱۹۸۳م).
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیة، (۲۰۰۹م).
- ۱۰- زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت: دارالفکر، (۲۰۰۶م).
- ۱۱- \_\_\_\_\_، تفسیر الکشاف، ط ۳، بیروت: دارالمعرفة، (۱۹۹۸م).
- ۱۲- زهرانی، علی بن محمد بن سعید، مواقف أبي حيان النحوي من متقدمي النحاة حتى أوائل القرن الرابع الهجري من خلال تفسيره البحر المحيط، بحث مقدم لنیل درجة الدكتوراه، جامعة ام القرى، كلية اللغة العربية، المملكة العربية السعودية، (۲۰۰۰م).
- ۱۳- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، النهج المرضية في شرح الألفية، تحقیق: الشیخ مرتضی علی السیاح، بیروت: دارالعلوم (۲۰۱۲م).
- ۱۴- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، دفتر نشر معارف، (۱۳۹۰ش).
- ۱۵- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان في تفسیر القرآن، بیروت: منشورات الأعلمی، (۱۹۹۷م).
- ۱۶- طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، بیروت: مؤسسه الرساله، (۱۹۹۴م).
- ۱۷- طیب حسینی، سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، ج ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۹۵ش).
- ۱۸- فرشیدورد، خسرو، «بدل و گروه اسمی بدلی در زبان فارسی»، مجله ادبیات، سال ۲۳، شماره ۳، صص ۱۲۶-۱۵۰، (۱۳۵۵ش).
- ۱۹- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن کریم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۳۷۸ش).
- ۲۰- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).
- ۲۱- قونوی، اسماعیل بن محمد، حاشیة القونوي على تفسیر الإمام البيضاوي، تصحیح: عبدالله محمود محمد عمر، (۲۰۰۱م).



ارزیابی «راهبرد تصریح» در سبک های ترجمه ای قرآن کریم ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و سیدمحمد موسوی بغروئی

۲۲- کاظمی نجفآبادی، سمیه، «بررسی ساخت اطلاع "اشتغال" در ترجمه های فارسی قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی پژوهش های زبانشناختی قرآن، سال ۹، شماره پیاپی (۱۷)، صص ۴۹-۶۴، (۱۳۹۹ش).

۲۳- گلفام، ارسلان؛ امینی، رضا؛ کردزعفرانلو کامبوزیا، عالییه؛ آقاگل زاده فردوس، «بررسی تحولات معنایی و ساخت اطلاع ساخت های نشاننداری در فرایند ترجمه از انگلیسی به فارسی»، جستارهای زبانی، صص ۸۵-۱۱۳، (۱۳۸۹ش).

۲۴- لطفی پورساعدی، کاظم، درآمدهای بر اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۷۱ش).

۲۵- مختار، أحمد، علم الدلالة، ط ۵، عالم الکتب. (۱۹۹۸م).

۲۶- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۹۳ش).

۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۴ش).

28- Baker, M., "In Other Words: A Coursebook on Translation", London: Routledge (2011).

29- Kearns, J. "In Routledge Encyclopedia of Translation Studies". Edition by Mona Baker & Gabriela Saldanha, Routledge, (2011).

30- Klaudy, K. "Explicitation", in Baker, M. (ed.), "Routledge Encyclopedia of Translation Studies", London and New York: Routledge, Pp: 104-108, (2011).

31- Nashar, Mohamed Mostafa, Explicitation Techniques in English-Arabic Translation: A Linguistic, Corpus-based Study, "Arab World English Journal (AWEJ)" Vol. 7 Number 3 September, Pp: 317-335, (2016).

32- Salim Mohammed. K. The Impact of Compensation in Translating Classical Arabic Poetry into English: An Analytical Study. "Journal of Language Studies" Vol. , No. 4 , Pp: 11-27, (2018)

33 - Tiktik Murtsari, Elisabet. Explicitation in Translation Studies: the Journey of an elusive concept, "The International Journal for Translation & Interpreting Research", Dol : 10:12807/ti.108202, pp 64- 87. (2016)

34- Putranti, Adventina, 2018, Modulation: A Translation Method to Obtain Naturalness in Target Language Texts, "Journal of Language and Literature", Vol. 18, No. 1, Pp: 98- 101. (2018).

35- Rahmatullah, Widad Salih, Explicitation Strategy in the Translation of "Lord of the Flies". "The Al-Mansour Journal" No: 28. Pp: 246-261. (2016).

36- Yazdani Moghaddam, Masumeh, Explicitation in Translation: A Case of Screen Translation, "Journal of Language Teaching and Research", Vol. 8, No. 1, Pp: 75-80, (2017).